
تشکیل کانون خانواده‌های بازداشت‌شدگان جنبش

هدف متن حاضر، آشنایی خانواده‌ها، کنشگران، و هموطنان با برنامه تشکیل «کانون خانواده‌های بازداشت‌شدگان جنبش» است. هدف از تشکیل این کانون، آزادی بازداشت‌شدگان و متوقف کردن اعدام‌ها می‌باشد.

آزادی بازداشت‌شدگان و متوقف کردن اعدام‌ها، هدف اصلی این کار است.

رنج بی‌حد و حسابی که رژیم به بازداشت‌شدگان و خانواده‌های آن‌ها وارد می‌کند، غیر قابل تحمل است.

*

رژیم با دستگیر کردن تعداد زیادی از هموطنان، و آغاز اعدام‌ها، به زعم خود می‌کوشد که هزینه شرکت در اعتراضات را بالا ببرد و جنبش را خاموش کند. با وجود اقدامات متعدد و گوناگونی که توسط خانواده‌های بازداشت‌شدگان، کنشگران، و هموطنان در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است، تعداد بازداشت‌شدگان بسیار زیاد است و مرتب هم بیشتر می‌شود و ماشین اعدام رژیم نیز به راه افتاده است.

ادامه دستگیریها و ربایش‌ها و نیز به راه افتادن ماشین اعدام رژیم، نشان می‌دهد که:

نیاز به کار جدیدی است که مؤثر، و متفاوت با آن چه تا کنون انجام شده است باشد.

هر چقدر که فقط همان کارهایی را که تا کنون برای توقف اعدام‌ها، آزادی بازداشت‌شدگان، و جلوگیری از ادامه دستگیری‌ها و ربایش‌ها انجام داده ایم، دوباره و بدون تغییر انجام بدهیم، یاز به همان نتایجی می‌رسیم که تا کنون رسیده ایم: ادامه دستگیری، شکنجه، قتل، و اعدام. توقف اعدام‌ها و آزادی بازداشت‌شدگان، با همین روش‌های مقابله‌ای تاکنون انجام شده است، میسر نیست. متأسفانه مثلاً دو نفر که آزاد می‌شوند، هفت نفر بازداشت می‌شوند، و چند نفر هم به لیست اعدام اضافه می‌شوند.

تا کنون بین بیست تا سی هزار نفر بازداشت‌شده اند. بنابراین تعداد افراد خانواده‌های بازداشت‌شدگان کمابیش چیزی حدود ۱۰۰،۰۰۰ نفر است. متحد و سازمان‌یافته کردن خانواده‌های بازداشت‌شدگان، همراه با کنشگرانی که به کمک این خانواده‌ها می‌آیند، در قالب کانون خانواده‌های بازداشت‌شدگان جنبش، همین کار جدیدی است که متفاوت با اقدامات گذشته است، و می‌تواند به آزادی بازداشت‌شدگان و توقف اعدام‌ها منجر شود.

مراحل دستیابی به هدف آزادی بازداشت‌شدگان و توقف اعدام‌ها، در قالب تشکیل کانون خانواده‌های بازداشت‌شدگان جنبش، به صورت خلاصه به این ترتیب است.

مراحل کلی:

(۱) تشکیل هسته کاری اولیه، (۲) تعریف هدف و تعیین روش کار، (۳) تماس با خانواده ها، (۴) گسترش تماس ها، (۵) ساختن شبکه های امن ارتباطی، (۶) تدارک برای آکسیون های مشترک، (۷) اطلاع رسانی وسیع، (۸) مدیریت حرکت، (۹) پیشبینی برخوردهای سرکوبگران

خلاصه‌ای از این مراحل کلی در زیر توضیح داده شده است.

(۱) تشکیل هسته کاری اولیه

هسته کاری اولیه از تعدادی از خانواده های بازداشت شدگان و دوستان و اطرافیان آن ها، و کنشگران میدانی تشکیل می شود. از یک و چند خانواده و کنشگر شروع کنید و هسته کاری اولیه خود را تشکیل دهید. این هسته اولیه، کانون خانواده های بازداشت شدگان شهر شما را تشکیل خواهد داد. و در مراحل بعدتر می توان به کانون خانواده های بازداشت شدگان شهرهای دیگر استان خود نیز متصل شده و کانون استانی را تشکیل دهید. یک کنشگر برای جرقه اول کافی است.

(۲) تعریف هدف و تعیین روش کار

افرادی که در هسته اولیه کاری گرد هم آمده اند، هدف و روش کار را که در این نوشته به صورت کلی به آن اشاره شده است، مورد بحث قرار می دهند و بر سر آن به توافق می رسند. در اینجا ۹ مرحله کلی ذکر شده که تعداد آن ها ممکن است به نظر شما کمی کمتر یا بیشتر باشد. می خواهید به توافق برسید که هدف و روش کار، با جزئیات لازم برای انجام آن ها چیست. چه وظیفه ها و نقش هایی وجود دارند و انجام هر یک به عهده کیست. چه نیازهایی برای انجام مراحل کار وجود دارد. چه منابعی در دسترس است و چه منابعی موجود نیست. چگونه می توان منابع لازم را فراهم کرد. خانواده های بازداشت شدگانی که در معرض اعدام هستند طبیعتاً در این کار پیشقدم تر و پیگیرتر خواهند بود.

(۳) تماس با خانواده ها

بر اساس آنچه که در مرحله تعریف هدف و تعیین روش کار تنظیم شده است، تماس با خانواده و کنشگران دیگر را شروع می کنید. اسامی بیش از ۲۰۰۰ نفر از بازداشت شدگان توسط سازمان های مدافع حقوق بشر تهیه شده (و لینک آن ها در انتهای این متن هست) و در حزب ایران آباد نیز موجود است. در شهر خود شما بسیاری از آن ها و خانواده هایشان را می شناسید. در تماس با خانواده ها، موضوع را برای آن ها توضیح می دهید و همکاری آن ها و پیوستن به کانون را ایجاد می کنید. همچنین از آن ها می خواهید که با خانواده های دیگر بازداشت شدگان تماس بگیرند.

(۴) گسترش تماس ها

در مرحله گسترش تماس ها، هم تعداد خانواده ها بیشتر می شود، و هم دوستان و آشنایان آن ها که مایل به همکاری و پشتیبانی هستند. همچنین دوستان و همکاران

خود بازداشت شده‌ها. همینطور کنشگران بیشتری که مایل به پیوستن به شما هستند. تعداد و تنوع افراد در این مرحله بیشترین رشد را دارد. به این ترتیب فهرستی که شما از بازداشت شدگان شهر خود دارید نیز کامل و کامل‌تر می‌شود. در شبکه‌های ارتباطی بزرگ‌تر شما می‌توانید از همفکری، ابتکارات، نیروها، و پشتیبانی بیشتری استفاده کنید.

(۵) ساختن شبکه‌های امن ارتباطی

همانگونه که خود شما از ابتدای کار همه جنبه‌های ایمنی را در تماس‌ها برای تشکیل هسته کاری اولیه نظر گرفته‌اید، در مرحله تماس با خانواده‌ها و نیز در گسترش تماس‌ها این جنبه‌ها را بیشتر رعایت می‌کنید. به تدریج که شبکه ارتباطی بزرگ‌تر می‌شود، شما حتماً از ابزارهای امن، مثلاً تلگرام یا واتس‌آپ و یا کلاب‌هاوس استفاده خواهید کرد. «تایید ورود دو مرحله‌ای» به نرم افزارهای ارتباطی (Two step verification or two-factor authentication) یک مثال از کارهایی است که برای افزایش ایمنی ممکن است انجام دهید.

(۶) تدارک برای اکسیونهای مشترک

با همفکری و برنامه‌ریزی در کانون خود، می‌توانید روش‌ها و امکانات و ابتکارهای محلی خود را بررسی کرده و برای اکسیون‌های مشترک گروهی آماده شوید. تصمیم می‌گیرید که چه اکسیون‌های مشترکی را می‌خواهید انجام دهید، و زمان و مکان آن‌ها را تعیین می‌کنید. تجمع مقابل زندان، محاصره زندان، و یا جلوگیری از انتقال زندانیان، نمونه‌هایی از اکسیون‌های مشترک هستند. برای انجام اکسیون‌های مشترک، به برنامه‌ریزی و آمادگی کامل نیاز هست.

(۷) اطلاع‌رسانی وسیع

اطلاع‌رسانی وسیع در مورد زمان و مکان انجام اکسیون‌های مشترک که برنامه‌ریزی کرده‌اید را انجام می‌دهید. که طیفی از نیروهای جدید را نیز فراهم می‌کند. چه از شبکه‌های اجتماعی و چه به صورت دست‌نویس و غیره. وقتی که شما این اقدامات را انجام می‌دهید، نهایتاً شبکه‌های ماهواره‌ای نیز برد اطلاع‌رسانی را بیشتر می‌کنند و افرادی هم در این حین و در روزهای بعد به حرکت شما ملحق می‌شوند بیشتر می‌شوند.

(۸) مدیریت حرکت

مدیریت این حرکت توسط کانون خانواده‌های بازداشت‌شدگان شهر شما انجام می‌شود. هسته اولیه‌ای که درست کردن کانون را شروع می‌کند، به تدریج و در طی پیدا کردن خانواده‌ها و کنشگران و افراد جدید، می‌تواند مدیریت خود را بهتر کند. مدیر و مدیران خوب کسانی هستند که امکانات در دسترس و قابل‌اضافه کردن را با مؤثرترین روش‌ها، برای طی مراحل و رسیدن به هدف، سازماندهی و رهبری می‌کنند. حرف چنین کسانی، «برو» دارد. شما افراد مختلفی را پیدا و جذب می‌کنید که

مدیر خوبی هستند، برنامه ریزی خوب می کنند، دیگران حرف آن ها را گوش می کنند، یا مثلا کامپیوتر و نرم افزار خیلی خوب بلد هستند، یا تنومند هستند و ورزش رزمی می دانند، یا کمک های اولیه را بلد هستند، یا همه مسیرها و نشانی ها و افراد را خوب می شناسند، و مثال های دیگر. یک نفر در پیگیری کارها مُصر است، یک نفر دستش توی جیبش می رود، یک نفر خوب آموزش می دهد، و کسان دیگری هم هر یک از آنها یک یا چند کار را بهتر انجام می دهند.

(۹) پیش بینی برخوردهای سرکوبگران

در مراحل برنامه ریزی و مدیریت تشکیل کانون و به خصوص در مراحل برنامه ریزی و مدیریت اکسیون های جمعی، نیاز دارید که فکر کنید در حال حاضر، و به خصوص در روزهای قبل از رسیدن به اکسیون جمعی و در خود روز اکسیون جمعی، نیروهای سرکوب چه عکس العمل هایی انجام خواهند داد. و نقشه شما برای پیشگیری یا کم اثر کردن برخوردهای سرکوبگران چیست، و وقتی که سرکوبگران اقدامات مقابله ای خود را انجام می دهند، از بین شما کدام نفرات قرار است چه کارهای مشخصی را انجام دهند؟ نفرات جلوی صف چه کسانی هستند؟ نفرات جایگزین آن ها چه کسانی هستند؟ پیغام دادن با کیست؟ کمک های اولیه را چه کسی انجام می دهد؟ مدیران کانون و حرکت گروهی، با همفکری دیگران، از قبل فکر همه احتمالات را کرده اند و مشخص کرده اند که در صورت هر واقعه ای، چه کسانی باید چه کارهایی را انجام دهند.

*

آنچه در بالا گفته شد، ایده و مراحل عملیاتی تشکیل یک کانون خانواده های بازداشت شدگان جنبش در یک شهر است - البته اشاراتی هم به شبکه استانی کانون های شهری شد.

سوال اینجاست که:

سوال اینجاست که چرا تاکنون چنین کاری انجام نشده است. و چرا کارهایی که تاکنون صورت گرفته منجر به آزادی زندانیان و توقف اعدامها نشده است؟

تصور کنید هنگامی که شبکه بزرگ کانون های خانواده های بازداشت شدگان جنبش از به هم پیوستن و هماهنگ عمل کردن تمام کانون های شهری و استانی تشکیل شود، و در مورد اکسیون های جمعی برنامه ریزی شده برای یک روز معین در تمام کشور اطلاع رسانی وسیع و حتی تا حد بین المللی صورت گرفته باشد، مقابله با آن در کل ایران برای سرکوبگران چقدر غیر ممکن خواهد بود، و آزادی بازداشت شدگان چقدر می تواند برای خانواده های آن ها شیرین، و برای رژیم کشنده باشد.

پاسخ این است که:

به طور خود به خود و یا با روش هایی که تا بحال انجام شده اند، امکان پذیر نیست. نیاز به نیروی هماهنگ کننده مرکزی هست.

چنین نیروی هماهنگ کننده مرکزی، که بتواند وظیفه هماهنگی و سازماندهی کانون ها و نیروهای شهرها و استان ها را انجام دهد تا چنین حرکت ملی با موفقیت انجام شود، وجود دارد؛ ولی کنشگران هنوز نام آن نیروی هماهنگ کننده مرکزی را در خیابان ها فریاد زده زده اند. یک کانون های خانواده های بازداشت شدگان در یک شهر، می تواند همه مراحل فوق را در شهر خود برنامه ریزی و اجرا کند. حتی شبکه کانون های خانواده های بازداشت شدگان شهرهای یک استان نیز ممکن است بتوانند هماهنگی را در سطح استان انجام دهند و در یک روز معین اقدام کنند. اما هماهنگی و سازماندهی پیدا کردن همه نیروهای میدانی، و همه کانون های شهری و استانی، نه خود به خود قابل انجام است، و نه توسط خودشان. اگر قابل انجام بود، تا به حال انجام می شد.

کلید حل معما این است که یک نیروی هماهنگ کننده و سازماندهی کننده لازم است که هم بخواهد و هم بتواند که این کار را در سطح ملی انجام دهد. این نیروی مرکزی، یا از داخل کشور است، یا از نیروی ایرانی خارج از کشور است، و یا ترکیبی از این دو. اگر کسانی که می خواهند اعدام ها متوقف شود و بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی آزاد شوند، با خود فکر کنند که چنین نیروی هماهنگ کننده و سازماندهی کننده را (۱) از کجا پیدا کنند، و (۲) چگونه این نیرو را در عمل وارد میدان کنند؟ تعداد پاسخ های ممکن بی نهایت نیست: نیروهایی که در زندان هستند را می خواهیم آزاد کنیم. بنابراین باید از بین کمتر از تعداد انگشتان دو دست نیروی داخل کشور و نیروی ایرانی خارج از کشور، یکی را انتخاب کنیم. وقتی انتخاب کردیم، «یار تو دلی» در اینجا به درد نمی خورد. باید آن قدر نام آن را مطرح کرد تا حالا اگر اهل عمل است و برنامه دارد (نه فقط توییت زدن خالی) واقعا وارد عمل شود.

شما اگر خودتان به تنهایی یا با یکدیگر فکر کنید که: چه نیرویی به درد کار آزاد کردن بازداشت شدگان و متوقف کردن اعدام ها می خورد، یک سری پاسخ هایی برای این سوال خود پیدا می کنید. و نام آن نیرو را آنقدر مطرح می کنید که بتوان از این حالت روزمره تلاش های انجام شده برای آزاد کردن بازداشت شدگان و متوقف کردن اعدام ها خارج شد.

چه نیرویی به درد کار آزاد کردن بازداشت شدگان و متوقف کردن اعدام ها می خورد؟ در میان پاسخ های شما، احتمالا یک یا چند مورد از موارد زیر وجود دارد: نیرویی که اصلا خودش بخواهد و خواست خود و موضوع را مطرح کرده باشد. کسی یا کسانی که تا به حال اصلا نگفته اند که باید برای آزاد کردن بازداشت شدگان و متوقف کردن اعدام ها کاری کرد طبعا کنار می روند. حال باید دید نیروهایی که خودشان تاکنون این موضوع را مطرح کرده اند، تا به حال چه کارهایی کرده اند؟ توییت؟ سخنرانی؟ محکوم کردن؟ درخواست از سازمان ملل و دولت های سایر کشورها؟ و کدام اقدام ها موفق بوده است، که حالا ما نام آن فرد یا جریان را فریاد بزنیم؟ یا کدام نیرو یا جریان برای

